

مدخلی بر تبیین مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی در برنامه ریزی و مدیریت شهرهای کشور

مسعود صفایی پور

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده علوم زمین و GIS دانشگاه شهید چمران اهواز

Safae_p@Scu.ac.ir

مهیار سجادیان

دانشجوی دکتری دانشکده علوم زمین و GIS دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: 1394/12/25

تاریخ دریافت: 1394/9/5

چکیده

دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی موثر بوده و در این چارچوب، شهر بیشترین توجه را به خود مبذول نموده است؛ به گونه ای که بسیاری از صاحب نظران، اسلام را اصولاً دینی شهری نامیده اند. بنابراین جای تعجب نیست که دین اسلام دارای رهنمودهایی در ارتباط با برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی شهرها باشد، به صورتی که، به نظر می رسد بتوان از اقتصاد اسلامی در حوزه شهر نیز سخن راند. اما مسئله این است که تاکنون با توجه به اهمیت آن و علیرغم تمام تلاشها، به اندازه کافی به این امر مهم پرداخته نگردیده است. لذا در این راستا، این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و تحلیل محتوای ژرفانگر در ترکیب با پهنانگر و مصاحبه با خبرگان به هدف تبیین مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی در سه شاخه مذهب، نظام و علم اقتصادی و ارتباط اینها با فقه اقتصادی مرتبط با برنامه ریزی و مدیریت شهرهای کشور به تحقیق پرداخت. که در مجموع کاربستی مقدماتی به همراه پیشنهاداتی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: اقتصاد، شهرهای اسلامی، مذهب اقتصادی، نظام اقتصادی، فقه اقتصادی

مقدمه

شهر اثر ماندگار تاریخی و در عین حال واحد جغرافیایی و اجتماعی تکامل پذیر است که با تاثیر از ایدئولوژی ناظر بر ناحیه، که توان و سطح کاربرد نیروهای اقتصادی و تکنیکی را روی شهر مشخص می دارد، و به مقتضای اندیشه های ارزشمند معماران، شهرسازان و همیاری کارشناسان نظام های علمی دیگر و با بهره مندی از عادات اجتماعی ساکنان شهر و با اراده و تصمیم نظام سیاسی بر پهنه زمین و روی محیط طبیعی شکل می گیرد و در مسیر زمان در فضای جغرافیایی معینی، بر حسب شیوه مبادلات اقتصادی و اجتماعی بر پویایی فضایی، اقتصادی و اجتماعی خود تداوم می بخشد و بالاخره سیمای برون و فیزیکی خود و حیات انسانهایی را که در بطن خود دارد، دگرگون می کند، گاهی رفاه و بهزیستی را وزمانی نابهنجاری و دلواپسی را بر شهرنشینان عرضه می کند (فرید، 1368، ز). بنابراین، منطبق بر سیر تاریخی، نمی توان از نقش جهان بینی و ایدئولوژی در عرصه های مختلف شهر از جمله اقتصاد شهری و در یک نگرش سیستمی بر کل شهر چشم پوشی نمود.

مدنیت و فرهنگ شهر نشینی در ایران یک تمدن قدیمی و پرسابقه ای است که در تمام فلات ایران توسعه و گسترش داشته است. این تمدن با عوامل فرهنگ شهرنشینی بین النهرین که مکان اولیه پیدایش شهرنشینی مستقل با ویژگیهای خاص آن ناحیه به شمار می آمد اشتراک یافته و از مظاهر فرهنگی آن برخوردار بوده است و در تمام این دوران از آغاز تاکنون چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام متأثر از جهان بینی و ایدئولوژی حاکم در عرصه های مختلف از جمله اقتصاد شهری بوده است؛ و در بعد از اسلام این مهم ادامه داشته است، که در نوشته های بسیاری بر آن تاکید گردیده است. اما مسئله این است که علیرغم تمام تلاش های انجام یافته، خلاهایی قابل توجه در تبیین و تدوین چارچوبها، اصول و در یک کلام نظام اقتصادی اسلام در کل و از جمله در حوزه شهر احساس می گردد؛ امر مهمی که این پژوهش می تواند به عنوان مدخلی بر علم اقتصاد اسلامی در شهرها تعبیر گردد، تلاشی که در راستای پاسخگویی به سوال زیر انسجام یافته است:

■ آیا می توان منطبق بر آموزه های اسلامی، سخن از اقتصاد اسلامی شهر راند؟

تبیین ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

شهرنشینی یک پدیده جهانی بعد از جنگ جهانی دوم است که ماهیت کیفی آن در سراسر کشورها متنوع است؛ در برخی کشورها همراه با مهارت، ارتقاء، صنعتی شدن و گسترش بخش رسمی و در برخی دیگر از کشورها با مشکلات بسیار عدیده ای همراه شد (Yuki, 2007, 76). امروزه شهرها محل استقرار و زندگی بخش عمده ای از جمعیت جهان هستند. بنابر پیش بینی های دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد تا سال 2050 حدود دوسوم جمعیت جهان در شهرها ساکن خواهند بود (حاتمی نژاد و حسینی، ۱۳۹۲، ۱۰۰). در این راستا، در خلال سی سال گذشته، جمعیت شهری در سطح جهانی، به بیش از دو برابر بالغ شده است. بر اساس پیش بینی های سازمان ملل طی سی سال آینده این پدیده در مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه - که کشورها اسلامی در این گروه قرار می گیرند - تکرار خواهد شد، به گونه ای که جمعیت شهری در این مناطق از جهان، از رقم 1/9 میلیارد نفر در سال 2000 به آستانه 4 میلیارد نفر در سال 2030 خواهد رسید در حالی که در بقیه جهان، یعنی کشورهای پیشرفته صنعتی، در همین فاصله زمانی رقم 900 میلیون به یک میلیارد نفر خواهد رسید (سید میرزایی، ۱۳۸۳، ۱۴۳) (استعلاجی و حسین زاده، ۱۳۹۲، ۳۲).

از سوی دیگر، شهرها همواره در طول تاریخ محرک و بنیان رشد و توسعه اقتصادهای ملی بوده اند و بدیهی است که اگر این مکانها وظیفه خود را به خوبی انجام ندهند، کل اقتصاد ملی با مشکل مواجه خواهد شد؛ زیرا الگوها و تحولات عمده اقتصادی در سطوح منطقه ای، ملی و جهانی از شهرها نشات می گیرند (عسگری، ۱۳۸۳، ۱۳) (هاشمی، ۱۳۸۸، ۲). اما شهرنشینی پیامدهای زیر را به همراه داشته است: نابرابری های اجتماعی، فقر، افزایش فساد و جرم و جنایت، بحران های زیست محیطی، نابرابری و اختلاف طبقاتی، نبود رفاه اجتماعی، مرگ و میر زودرس در کودکان و مادران، بدمسکنی و بی مسکنی، اسکان غیررسمی و ... این پیامدها، در کشورهای در حال توسعه، با سرعت و حجم بیشتری در حال گسترش است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۲)؛ که به پیروی از سطوح تحلیلی دیوید اسمیت و دیوید هربرت در تحلیل مسائل شهری شامل: اقتصاد سیاسی، تحلیل تخصیص منابع، مدیریت شهر و محیط محلی، می توان معضلات برشمرده را واکاوی نمود.

به نقل از شکوئی (1373)؛ در نگرش اقتصاد سیاسی، تاکید بر ایدئولوژی ها، ارزشها و سنت های یک جامعه و اساس اقتصادی آن به ویژه شیوه تولید مسلط در مسائل شهری از اولویت خاصی برخوردار است. بدین سان با تحلیل اقتصاد سیاسی از مسائل شهری، تنها بر سه عامل مهم تاکید می شود: الف) اقتصاد بازار؛ ب) رفاه اجتماعی؛ ج) شیوه تولید. در تحلیل اقتصاد سیاسی از مسائل شهری، سه عامل مذکور بر سیستم های شهری و کارکرد آنها تاثیر بسیاری می گذارد. سیستم های شهری با تاثیر پذیری از این سه عامل به وجود می آید و کارکرد آن بر اثر این سه عامل تعیین می شود.

در دیدگاه تخصیص منابع، تخصیص منابع و قدرت شامل تولید کالا، مقدار کالا، کیفیت توزیع کالا بین مصرف کنندگان، انتخاب الگوهای مناسب برای تولید و توزیع کالا، تاثیر شرکتهای چند ملیتی در تخصیص منابع، سنجش کارایی بخش خصوصی، میزان دخالت و نظارت دولتها در تخصیص منابع، کیفیت عرضه خدمات، اهداف اجتماعی و اقتصادی و سرانجام میزان رضایت مردم از تخصیص منابع مورد مطالعه قرار می گیرد و توزیع قدرت میان گروههای مختلف جامعه بررسی می شود؛ زیرا اگر قدرت در دست عده ای قرار گیرد در تخصیص منابع به گروه معینی تاثیر می گذارد. در این سطوح، میزان قدرت بخش عمومی و بخش خصوصی در شناخت کیفیت زندگی مردم شهرها به طور جداگانه مطالعه می شود تا میزان هزینه های عمومی در رفاه اجتماعی جامعه شهری به خوبی تبیین شود. بنابراین با توجه به این موارد در شهرهای امروزی با سه تحلیل مشخص در کنترل منابع روبرو هستیم (شکوئی، 1373، 27):

✓ قدرت سیاسی در ارتباط با کنترل منابع

✓ توان اقتصادی در ارتباط با کنترل منابع

✓ شخصیت و اعتبار اجتماعی در ارتباط با کنترل منابع

در سطح سوم از تحلیل بر نقش تصمیم گیری های کلیدی در زمینه مسائل شهری تاکید می شود که در اینجا منظور از تصمیم گیرندگان، مدیران و مسئولان سازمان های شهری است، بدین سان که مدیران شهری به مسئولانی اطلاق می شود که تصمیمات آنها در سیستم تخصیص منابع، محیط زیست شهری خاصی ایجاد می کند. هر چند تصمیمات آنها در داخل یک سیستم مشخص سیاسی یا اقتصادی صورت می گیرد، این تصمیمات در سطوح محلی تاثیر می گذارد.

در سطح چهارم، نتایج اجتماعی و فضایی حاصل از عوامل موثر به روشنی تبیین می شود و می توان شاخص های اجتماعی، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهر را تحلیل کرد.

اما علیرغم تمام این سطوح تحلیلی، در سطحی کلان تر، توسعه شهری پایدار و بالطبع توسعه پایدار کشور، مستلزم داشتن تفکر عقلایی و فلسفی-ایدئولوژیک قالب بندی شده در مکاتب و نظریه های علمی، بستر قانونی، سیاستگذاری، استراتژی رسیدن به هدف، برنامه ریزی، طراحی، مدیریت هماهنگ کننده، اجرا، نظارت، ارزیابی، داشتن ساختار اندام واره سلسله مراتبی، تکنولوژی مناسب، مشارکت مردمی، اعتبار بودجه و بخصوص رعایت عدالت اجتماعی و غیره است. همه امور مذکور باید با توانهای اقتصادی، نیروی انسانی، محیطی، ژئوپلیتیکی، تاریخی، فرهنگی و هویتی یک کشور و ملت متناسب بوده و واقع گرا و مبتنی بر عمل باشد و هزینه فایده همه امور خرد و کلان ارزیابی و بررسی شود؛ که این همه بدون تکیه بر یک جهان بینی، ایدئولوژی و بر این اساس نظریه پردازی امکانپذیر نیست (پاپلی یزدی، 1391).

اسلام به عنوان جهان بینی و ایدئولوژی الهی نیز، با منطق و فهم جهانشمول و گستره ای همگانی و در همه اعصار و زمانها، برنامه ای برای ارائه موفقیت آمیز در راستای نیل موفقیت آمیز بشر به اهداف مادی و معنوی و خیر توأمان سعادت دنیوی و اخروی را از جمله در ارتباط با شهر داراست. اسلام از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نضج یافته و نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق آمیز دارد، و از سوی دیگر نسبت به جمع و جماعت نیز التفاطی خاص دارد، بنابراین نمی تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر و سکونتگاه بی تفاوت باشد (امین پور و همکاران، 1394، 48)؛ شاهد آنکه، به علت همین خصیصه، ساختار شهرها و سکونتگاههایی را که متصرف شد، بازسازی و پیرایش کرد (وثیق و پشتونی زاده، 1389، 51). پس چنین دینی نمی تواند نسبت به بحث بسیار مهم اقتصاد شهر بی توجه باشد، اما جای شگفتی است که تاکنون اقتصاد اسلامی شهر در پژوهش های کشور بسیار مهجور مانده است.

از سوی دیگر، ایده اقتصاد مقاومتی به تناسب شرایط ویژه کشور توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است (رهبر و همکاران، 1393، 136). اقتصاد مقاومتی، ماهیت دینی داشته و به عنوان مهمترین ابزار حکومت اسلامی است. وقتی صحبت از اقتصاد مقاومتی می گردد، تصور نوعی از اقتصاد اسلامی است؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جان بینی توحیدی و الهی دارد و شامل مقوله های مادی، معیشت و معنویت است. این الگو نه الگوی

سوسیالیستی و نه الگوی سرمایه داری است و الگویی اسلامی است (محمدزاده و صابری، 1392). حال این سوال راهبردی پیش می آید که بدون توجه به اقتصاد اسلامی شهر می توان به اقتصاد مقاومتی نیز دست یافت؟ قابل توجه اینکه امروزه حدود دوسوم مردم کشور در شهرها زندگی می نمایند.

مبانی نظری تحقیق

اقتصاد، علمی که دو قرن از عمر آن می گذرد، ترجمه کلمه اروپایی اکونومی (*economy*) است که از نظر ریشه لغوی از دو کلمه یونانی ایکو (*oiko*) یعنی خانه و نومو (*Nomo*) به معنای قانون تشکیل شده است. معنای دیگر ایکو، اموال و نومو، اداره است. بنابراین واژه اکونومی در یونان قدیم به معنای اداره امور اموال بوده است. در قرن سوم و چهارم قبل از میلاد ارسطو و گزنفون، این لغت را با همین مفهوم به کار برده اند (فدیر، ۱۳۷۳، ۸).

یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. در آیه «و اقصا فی مشبک» نیز به همین معنی آمده است. از آن نظر که اعتدال در هزینه زندگی یکی از مصادیق میانه روی بوده، کلمه «اقتصاد» درباره آن بسیار استعمال می شده است تا آنجا که در بکارگیری عرفی از «اقتصاد» غالباً همین معنی مقصود بوده است. به هر حال برای اقتصاد تعاریف مختلفی ارائه شده است، از جمله:

ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه

آدام اسمیت: اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است.

استوارت میل: اقتصاد، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع

در یک تعریف کلی، اقتصاد علمی است که به مطالعه کاربرد و نحوه تخصیص بهینه منابع تولیدی محدود و کمیاب به منظور تامین بیشترین نیازهای نامحدود بشری می پردازد. اما تعریفی از علم اقتصاد که بیشتر مورد پذیرش عالمان قرار گرفته است: «علم اقتصاد بررسی رفتار انسانی در زمینه تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است». بدیهی است که این رفتار اقتصادی انسانی، فعالیت های افراد و گروه های مردم را شامل می شود؛ در نتیجه، علم اقتصاد شامل بررسی رفتار فردی، همان چیزی که علم اقتصاد خرد نامیده می شود، و رفتار

گروهی، همان چیزی که اقتصاد کلان نام می‌گیرد، می‌شود (قحف، ۱۳۸۴، ۱۵۸). پس، یک تقسیم‌بندی اولیه در اقتصاد، اقتصاد خرد در برابر اقتصاد کلان است.

اقتصاد کلان، آن بخشی از اقتصاد است که در رابطه با متغیرهای کلی و کلان جامعه یعنی تولید ناخالص ملی (GNP)، مصرف ملی، پس انداز ملی، مخارج دولت، حجم پولی، سطح قیمت‌ها و اثراتی که این متغیرها برهم دارند بحث و تجزیه و تحلیل می‌کند. در حقیقت این بخش از اقتصاد تاثیر تغییر این متغیرها را بر متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. در اقتصاد خرد، رفتار افراد و واحدهای اقتصادی نظیر مصرف‌کننده و یا تولیدکننده و بازار یک کالا و غیره مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین حیطه اقتصاد خرد، بررسی در سطح خرد، یعنی قیمت یک کالا، میزان تولید یک کالا، بازار یک کالا و غیره می‌باشد (فرجی، ۱۳۸۴، ۱۰).

همچنین، علم اقتصاد را می‌توان به اقتصاد اثباتی (آنچه هست) در برابر اقتصاد هنجاری (آنچه باید باشد)؛ و اقتصاد نظری در برابر اقتصاد کاربردی؛ و اقتصاد عقلانی در برابر اقتصاد رفتاری تقسیم‌بندی نمود. اقتصاد شهری یکی از رشته‌های تخصصی اقتصاد است که در آن اقتصاددانان سعی می‌کنند با استفاده از ابزارهای اقتصادی، مسائل و مشکلات یک منطقه شهری را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند (عابدین درکوش، ۱۳۶۴، ۵). از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ این رشته از علم اقتصاد به مرحله بلوغ رسید و امروزه به عرصه درخور اعتنایی مبدل شده است (میلز و همیلتون، ۱۳۷۵).

در اقتصاد شهری، چگونگی تولید و توزیع کالاها و خدمات، نه تنها در داخل یک شهر، بلکه بین شهرها و مناطق شهری، بررسی می‌شود. تمرکز فعالیتهای تولیدی در یک فضا باعث تغییر کارایی تولید و توزیع کالا و خدمات، در آن فضا می‌شود. وظیفه اقتصاددانان شهری این است که تعیین کنند: آیا تمرکز در یک فضا، مفید و اقتصادی است یا خیر، همچنین موضوعاتی مانند: بازار کار، سطح اشتغال، پایگاه اقتصادی زنان، سهم زنان در نیروی کار شهری، میزان درآمد محله‌های شهری، نابرابری میزان درآمد گروههای شهری و نقش بخش‌های صنعتی، شهری، فرهنگی و توریستی در حوزه اقتصاد شهری، مطرح می‌شوند. در علم اقتصاد شهری، سعی می‌شود برای توضیح مسائل شهری، ابزارهای اقتصادی، به کار گرفته شوند، نه اینکه شهر را در مطالعات اقتصادی وارد کنند. اقتصاد شهری بر خلاف علم اقتصاد مجرد، کارگر را عامل تولیدکننده نمی‌داند، بلکه او را به عنوان مصرف‌کننده رای‌دهنده، فردی که موجب شلوغی و آلودگی محیط می‌شود و بالاخره، فردی که درگیر مسائل

و مشکلات شهری است، می داند. اقتصاد شهری، هم مسائل بین شهری و هم مسائل درون شهری را مورد بررسی قرار می دهد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۶۲).

روش تحقیق

این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و تحلیل محتوای ژرفانگر در ترکیب با پهنانگر و مصاحبه با خبرگان به هدف تبیین مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی در سه شاخه مذهب، نظام و علم اقتصادی و ارتباط اینها با فقه اقتصادی مرتبط با برنامه ریزی و مدیریت شهرهای کشور به تحقیق پرداخت.

یافته های تحقیق و بحث

به طور کلی دیدگاهها و نگرش ها را می توان به دو گروه الهی (آسمانی) و غیر الهی (مادی) تقسیم کرد. نگرش های الهی شامل نگرش اسلامی، مسیحیت و یهودیت و دیدگاههای مادی شامل کاپیتالیسم، سوسیالیسم، کمونیسم، اقتصاد مختلط و... است. در واقع هر کدام از این نگرش ها در مفهوم کلی آن به معنی یک نظام فکری هستند؛ یعنی مجموعه ای از ارزش ها و باورها که پدیدآورنده نوع خاصی از روابط اجتماعی هستند (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۰).

در این راستا، نسبت دین با دنیا و یا به عبارت بهتر، دین و اقتصاد، از مباحث کلامی محسوب می شود که از سده های متمادی دیدگاههای مختلفی از جمله همبستگی و تفکیک دین و دنیا مطرح بوده است:

دیدگاه اول، مدعی عدم رابطه و تفکیک دو حوزه معنویت و آخرت گرایانه از حوزه دنیا و به تبع آن پیشرفت است، به این معنی که دین تنها برای هدایت و سعادت معنوی و آخرت انسان نازل شده است و ما باید بر این مبنا و غایت، قلمروی دین را تفسیر کنیم، یعنی، برای مثال اسلام در برآوردن سعادت معنوی و اخروی مردم دین جامع و کاملی است و هیچ خلا و نقصی در این زمینه ندارد. سکولارها از جمله سروش، مهدی حائری یزدی و بازرگان از این دیدگاه جانبداری نموده و با طرح نظریه سکولار خود، دین را از عرصه دنیا و سیاست و

حکومت منفک می کنند. روشن است اگر کسی دین را مبنای سکولار تفسیر نماید، برای آن هیچ نقشی در حوزه دنیا و اقتصاد قائل نخواهد شد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۲، ۲) (مجتهد شبستری، ۱۳۸۱) و

دیدگاه دیگر، بر این باور است که دین در بیان و تبیین نیازمندی های مادی و دنیوی بشر ساکت نیست، بلکه یک بخش از اهداف پیامبران و نبوت، تامین سعادت دنیوی بشری است. برای مثال آیین اسلام که دین کامل و خاتم است به صورت جدی در تامین سعادت بشری دارای نقش است، اما نکته ظریف و قابل توجه این که نقش دین در تامین سعادت دنیوی نه در ارائه برنامه و قوانین خاص در عرصه های مختلف است، بلکه دین می کوشد با ارائه مبانی، اصول و جهات کلی در تامین سعادت دنیوی انسان را امداد کند، اما استخراج قوانین و برنامه و راهکارهای خاص و متناسب با زمانه را به خود بشر حواله کرده است، به دیگر سخن، آن چه از مبانی، اصول و جهات و بعضا روشهای دخیل در سعادت دنیوی در دین آمده است، فرد مومن باید بدان ملزم گردد، اما نباید از دین انتظار داشت که همه مبانی، اصول، روشها و قوانین و راهکارهای کلی و جزئی مربوط به امور دنیوی را تبیین کرده باشد. اندیشوران متقدم چون شیخ طوسی، شیخ طبری، علامه حمصی رازی، علامه طباطبایی و علامه شعرانی پیش تر از این دیدگاه به این تفسیر و تعبیر می کردند که قرآن نه تفصیلا که اجمالا به تبیین امور دنیوی پرداخته است و تفصیل آن را بایست با رجوع به پیامبر (ص) - بنا به مکتب تشیع - و نیز عقل و اجتهاد استنتاج کرد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۲).

در هر حال، دین و اقتصاد، دو حوزه کاملا نزدیک به هم هستند. از جهت تاریخی ملاحظه می گردد که عالمان پیشین اقتصاد از طبقه راهبان و عالمان ربانی بودند. در قرون وسطی در اروپا، علم اقتصاد سکولاریستی را کشیشان مسیحی چون توماس اکوئیناس، آگوستین و دیگران ایجاد کردند. فیزیوکرات ها در اوایل قرن هجدهم به مقدار فراوانی صبغه دینی بر کتابهایشان دادند. عقاید آنان درباره زمین و انسان مبتنی بر افکار مسیحیت بود. با حدوث انقلاب صنعتی و تولید انبوه، برخی عالمان اقتصاد شروع به تفکیک قلمروی احقیقات خود از دین کردند. این پدیده ای استثنایی بود که به تاریخ فرهنگ و سیاسی اروپا ارتباط داشت؛ زیرا از نفوذ انقلاب افسار گسیخته ضد کلیسای متاثر بود (قحف، ۱۳۸۴، ۱۵۷).

بنا به قول آقائی (۱۳۹۲)، نسبت دین و اقتصاد و توسعه را در غرب می باید در نظرات افرادی چون «مارکس»، «توکویل»، «دورکیم»، «زیمل»، «ماکس وبر» و افرادی چون «رژه باستید» جستجو نمود. از

دیدگاه «امیل دورکیم» بحران جامعه جدید عبارت بود از عدم جایگزینی سنت های اخلاقی که بر پایه دین قرار داشتند. در نظر وی با کارکردی که دین در ایجاد پیوند و نظام اجتماعی دارد باید دید که در شرایط تغییر اجتماعی این عامل چگونه خود را بازتولید کرده و با شرایط جدید انطباق می یابد.

در نظر «ماکس وبر» در جوامع ابتدائی ادراکاتی که ماوراءطبیعی تلقی می شوند در همه عرصه ها حضور داشتند و به نحوی گریزناپذیر با معرفت تجربی و فنون عقلانی درهم آمیخته بودند، از این رو در هر گونه تبیین، به واقعیات ماوراء تجربی تمسک می شد، که این فرآیند باعث شد تا اهداف اجتماعی با افعال نمادین دین خلط شده، ابزارهای جادویی با روشهای علمی درآمیزد و پیوسته همراه با تمسک به جهت گیری های تخصصی تر و واقع گراتر کم کم پدیده های طبیعی از معنای دینی و جادویی آنها تهی گردد. در واقع به نظر وی، مذهب در رویارویی با جامعه نوین و سرمایه دار مدرن، افسون زدایی را پذیرفت و به بسیاری از ضرورت های دنیایی و خردابزاری تن در داد.

با تامل اندک در کلیه رویکردها و الگوهای ارائه شده اندیشمندان غربی و نوع نسبت دین و اقتصاد، درک خالی بودن این الگوها از رویکرد دین مدار و تهی بودن آنها از هرگونه دخالت عوامل غیر مادی در امر رشد و توسعه کار چندان پیچیده ای نیست. هر چند، حتی با تمام این موارد برشمرده، بنا به گفته وبر: «با مساله پیوند بین روح حیات اقتصادی مدرن و اخلاقیات عقلانی مذهب پروتستان زهد گرا مواجهیم». در هر حال، به نقل از آقائی (1392)، در زیر به وجوه مشترک این نظریات غربی با تاکید بر ناتوانی ها اشاره می گردد:

- ❖ ناکامی تلاش های توسعه گرایانه با سمت و سوی صرفا توسعه اقتصادی
- ❖ عدم موفقیت در حل رضایت بخش بسیاری از مسائل و کژکارکردهایی که در نتیجه به اصطلاح صنعتی شدن، شهرگرایی، دیوانسالاری روی مردم و روش زندگی آنان اثر گذاشته است.
- ❖ افراط در بکارگیری تکنولوژی و تاکید زیاد بر انسان به عنوان سوژه نه ابژه آن و پیامدهای آن
- ❖ فاصله جدی جریان توسعه با ارزش های متعالی انسانی و الهی که معمولا در نظام های سکولار یا کم توجه به آموزه های دینی به آن مبتلی هستند.
- ❖ عدم توجه به منبع ارزش ها و هنجارهای مبتنی بر آن در راستای رشد مادی و معنوی با همدیگر و در یک جهت

❖ محوریت سود و عدم محوریت کرامت انسانی در الگوهای توسعه

حاصل این روند - هرچند که این تنها دلیل نمی تواند قلمداد گردد - معضلات به ویژه اجتماعی و فرهنگی و به ویژه بی عدالتی و اختلاف طبقاتی در شهرها بوده است. امروزه هر شهر «جهان اولی» در دل خود یک شهر «جهان سومی» دارد که با مشکلات فراوانی دست به گریبان است. از طرف دیگر در هر شهر «جهان سومی» یک «شهر جهان اولی» پیشرفته وجود دارد و این حکایت از شکاف بزرگ و چالش اساسی است؛ معضلی که متوسفانه در ایران نیز به عینه وجود دارد. این در حالی است که در تعریف، برنامه ریزی شهری عبارتست از تامین رفاه شهرنشینان، از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم تر، آسان تر، موثرتر و دلپذیرتر (شیعه، ۱۳۷۶، ۱۰۲). لذا با این موارد می توان استنتاج نمود که بر این نوع برنامه ریزی مبتنی بر این نگاه آسیب هایی وارد است؛ که می توان از جمله آسیب های وارده بر آن، حذف نگاه دین مدارانه و نگاه ارزشی و اخلاق محور اسلام بر مدیریت و برنامه ریزی شهری کشور و بالتبع اقتصاد شهرهای کشور دانست. در این راستا، قابل تاکید موکد است که دین اسلام، فراتر از یک آئین رسمی است. اسلام یک شیوه کامل برای زندگی در همه اعصار می باشد، به طوری که روشهای حصول عالی ترین درجات کمال را در همه شئون و جوانب زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره ارائه نموده است. شهر نیز به عنوان کانون زیست و فعالیت انسان ها، مورد توجه اسلام بوده است؛ به گونه ای که می توان شهر اسلامی را مکان تبلور جمیع آموزه های اسلامی دانست، که در این صورت آرمان شهری که در طول دوران مختلف، انسانها جستجو می کرده اند، تحقق خواهد یافت (محمدی و شیخ بگلو، ۱۳۹۱، ۳۷۷).

اندیشه اسلامی در باب شهر دارای ویژگیهای منحصر بفرد به خود است که حصول به آنها می تواند سبب رسیدن به حیات طیبه در فضاهای زیستی بشر و موفقیت توأمان مادی و معنوی شهروندان گردد (ستاری ساریانقلی، ۱۳۹۰، ۴۸). در این چارچوب دین اسلام دارای اصولی است که مبنای هر حرکتی در جهان اسلام است. این اصول عبارتند از: نبوت، امامت، عدل، توحید، معاد. همچنین از مبانی قرآنی و آموزه های ناب روایی اسلام می توان فروعی استخراج نمود که نقش مهمی در هدایت جوامع انسانی دارد. این فروع عبارتند از: توسعه اقتصادی، رفاه و کرامت انسانی، اندیشه محوری، احترام به حقوق شهروندی، امنیت و ایمنی، حفظ محیط زیست و

توسعه پایدار، تعاون و همیاری (جمالی نژاد، 1392). که می تواند در برنامه ریزی و مدیریت اسلامی اقتصاد شهرهای کشور مورد تدقیق و توجه واقع گردند.

کسی که اسلام را بررسی کند، می یابد که این دین، در حل مسائل اقتصادی با ادیان دیگر تفاوت دارد. ادیان گوناگون گاهی درباره مساله ای معین، به ویژه علم اقتصاد، مواضع متفاوت دارند؛ ولی موضع اسلام به حدی با ادیان دیگر تفاوت دارد که به آن چهره ای ممتاز می بخشد. این چهره ممتاز دین اسلام با ملاحظه دو مساله اجمالی روشن می گردد، که تحت عنوان فقه اقتصادی مطرح است. (قحف، ۱۳۸۴، ۱۶۰):

✓ وجود مقدار بسیاری از مبادی و توجیحات و تشریحات و احکام که ناگزیر نظام اقتصادی ممتازی را پدید می آورد. این نظام چارچوب کاملی که بر رفتار اقتصادی محیط است، شمرده می شود و آن را در جهت معین و مطلوب سوق می دهد (کتاب و سنت)

✓ وجود سخنان متعددی که در مجموع، داده های عینی را ارائه می دهند که به فهم رفتار اقتصادی افراد و گروهها کمک می کند.

فقه که زیربنای سایر ارکان اساسی اقتصاد اسلامی یعنی مذهب اقتصاد اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد اسلامی می باشد؛ به نقل از صدری، در لغت به معنای فهمیدن و نیک فهمیدن و دریافتن کنه و عمق مطلب است. این واژه از جمله واژگانی است که پس از تشریح شرع مقدس اسلام معنای نخست خود را ترک کرده و در اصطلاح به معنای محدودتری اختصاص یافت. بنابراین در طول تاریخ یک هزار و چهارصد ساله فقه اسلامی تعارف گوناگونی از آن ارائه شده است. در اوایل قرن دهم صاحب معالم در تعریف این واژه می گوید: «علم به احکام شرعی فرعی از راه دلیل های تفصیلی آنها» منظور از تفصیلی بودن ادله آن است که در مقابل هر حکم، یک یا چند دلیل وجود داشته باشد. تعریف صاحب معالم طی پنج قرن گذشته تقریباً دست نخورده باقی ماند و فقط به نظر می رسد که جهت تحولی که در ادله فقاهتی و اصول عملیه در قرون اخیر پدید آمد اصولیان متاخر قید دیگری بر این تعریف افزوده و آن را به صورت زیر بیان می کنند:

«فقه علم به احکام شرعی فرعی یا به دست آوردن وظیفه عملی از راه ادله تفصیلی است»

فقه اقتصادی یکی از شاخه های علم فقه بوده و مقصود از آن، فقه اموال است که عبارت از علم به احکام لفعال انسان درباره اموال است (میرمعزی، ۱۳۹۴، ۶). بر این اساس شاخص های اقتصادی چون ربا و رشوه، کم

فروشی، زکات و خمس، صدقه، ارث، اسراف، تجارت و داد و ستد، مهر و نفقه، قرض الحسنه و انفاق و غیره در قرآن کریم آمده است که قابل استنباط توسط فقه اقتصادی بوده و می تواند در اقتصاد شهری مورد اجرا واقع گردند.

جدول شماره 1- تعداد آیات استخراج شده از تعدادی شاخص های اقتصادی قرآن کریم قابل استفاده در فقه اقتصاد شهری

شماره آیه و نام سوره	شاخص ها
188-275-276-278-279 بقره/ 130 عمران/ 161 نساء/ 39 روم/ 1 نکانر/	ربا و رشوه
84-85 هود/ 181-182-183 شعرا/ 9 الرحمن/ 1-2-3 مطففین/	کم فروشی
43-177-188-277 بقره/ 55 مائده/ 41 انفال/ 5-11-18-60 توبه/ 41-78 حج/ 56 زکات/ 3 نمل/ 39 روم/ 33 احزاب/ 20 مزمل/ 5 بینه/	زکات و خمس
126-177-264-273-276-280 بقره/ 45 مائده/ 79 توبه/ 18 حدید/	صدقه
5-7-11-12-33-127-176 نساء/	ارث
61-205 بقره/ 6 نساء/ 141 انعام/ 31 اعراف/ 67 فرقان/ 77 قصص/ 151 شعرا	اسراف
16-282 بقره/ 6-29-32 نساء/ 86 هود/ 88 یونس/ 27 قصص/	دادوستد و تجارت
4-19-20-29 نساء/ 28-150 احزاب/ 10-11 ممتحنه/ 6 طلاق	مهر و نفقه
177-195-281-282 بقره/ 11-25 حدید/ 18 لیل/ 29 اسراء	قرض الحسنه
215-261-262-272-273-274-283 بقره/ 4 مومنون/ 11 حدید/ 9-10 منافقون/ 20 مزمل/ 17 نغابن/ 7 حشر/ 20 اسراء/ 67 فرقان/ 77 قصص/	انفاق

ماخذ: (سجادیان و همکاران، 1393)

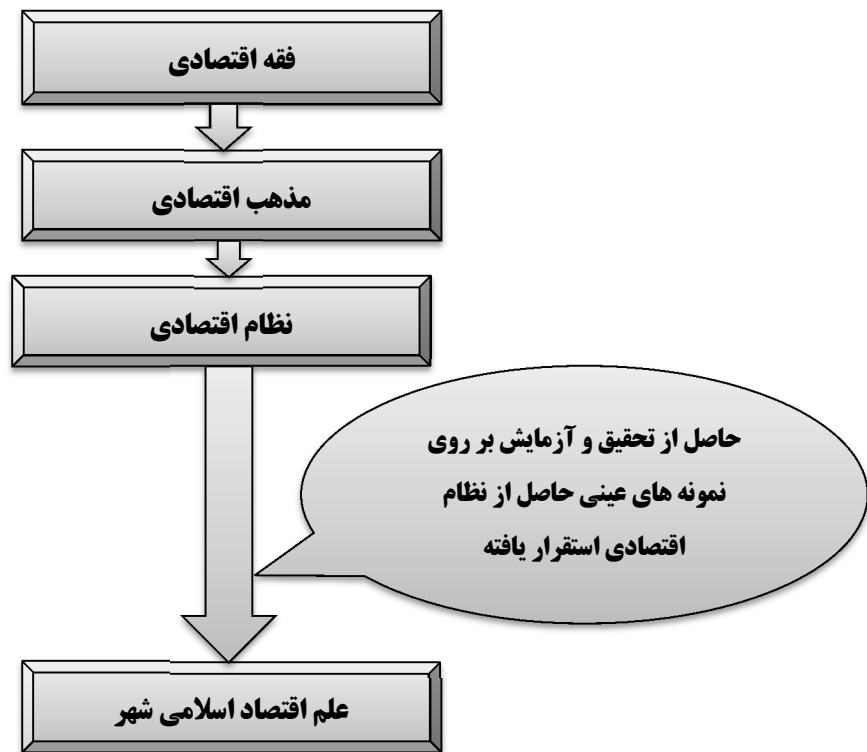
فقه اقتصادی هزار و چهارصد سال است که همراه زندگی مسلمانان بوده و امری تازه محسوب نمی گردد. اما حدود نیم قرن از عمر علم اقتصاد اسلامی می گذرد. شهید صدر- پدر اقتصاد اسلامی - با تدوین کتاب «اقتصادنا» این دانش را بنا نهاد و از آن زمان تاکنون به سرعت تکامل یافت و بالنده شد (میرمعزی، ۱۳۹۴، ۶). درباره علم اقتصاد اسلامی گفته ها و نوشته های فراوانی وجود دارد که هریک از دیدی آن را پذیرفته یا آن را نفی کرده اند. برخی- همان گونه که بیان شد- چون شهید صدر آن را در چارچوب علم اثباتی فقط برای جامعه مسلمانان و پس از پیاده شدن نظام اقتصادی اسلام پذیرفته اند. عده ای مانند «شوقی نیا» اقتصاد اسلامی را بر گرفته از شرع می دانند و عرضه آن را بر واقعیت می پذیرد و تحقق جامعه اسلامی را ضروری می داند. برخی دیگر مانند منذر قحف، میرمعزی، انس زرقا و زراءنژاد آن را در قالب علم اقتصاد اسلامی جهانشمول و به عنوان رقیب علم اقتصاد مرسوم پذیرفته اند. برخی مانند غسان ابراهیم، به طور کلی آن را نفی کرده اند و برخی مانند چپرا علم اقتصاد اسلامی را به صورت خاص برای تحقق مقاصد شریعت و تبیین تحلیل رفتار مسلمانان

پدیرفته اند. در این راستا، «چپرا» علم اقتصاد اسلامی را این گونه تعریف می نماید: «علم اقتصاد اسلامی رشته ای از دانش است که به تحقق رفاه بشر از راه نوعی تخصیص و توزیع منابع کمیاب که با مقاصد شریعت سازگار است، کمک می کند، بدون اینکه آزادی فردی را بی جهت محدود کند یا باعث عدم تعادل های اقتصاد کلان و زیست محیطی مستمر شود یا همبستگی اجتماعی و خانوادگی یا بافت اخلاقی جامعه را تضعیف کند» (موسی مطلبی، 1391).

علم اقتصاد اسلامی به عنوان یک علم بین رشته ای، تلاش دارد تا مبانی معرفت دینی را در کنار نظریات اقتصادی مورد بررسی قرار دهد و گزاره های توصیفی که واقعیت را مشخص و رابطه بین پدیده های اقتصادی را شناسایی نماید ارائه کند (پورفرج و همکاران، 1394، 35). البته حتما قابل ذکر است که شهید صدر بین مذهب اقتصادی و علم اقتصاد تفکیک قائل شده و به نقل از میرمعزی، مذهب اقتصادی را مقدم بر علم اقتصاد دانسته و تحقق مذهب اقتصادی را بر علم اقتصاد اسلامی لازم دانسته است؛ بنا به تعریف وی، مذهب اقتصادی عبارتست از:

«مذهب اقتصادی اسلام عبارتست از قواعد کلی و ثابتی از منابع - آیات، روایت ها و عقل - استنباط می شوند و زیربنای فقه و اخلاق اسلامی بوده و برای تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در جهت رفع دشواری ها و دستیابی به هدفهای اقتصادی وضع شده اند».

از جمله قواعد اقتصادی می توان به قاعده ولایت، قاعده عدالت، قاعده لاحرج، قاعده لاضرر، قاعده نفی سبیل، قاعده اتلاف و تسبیب، قاعده تسلط، قاعده سوق، قاعده غرور، قاعده استصلاح، قاعده المومنون عند شروطهم، قاعده احترام، قاعده میسور و قاعده ملازمه اذن در شیء با اذن در لوازم آن اشاره نمود (دری نجف آبادی و همکاران، 1392). در هر حال، با توجه به تمام موارد برشمرده می توان دیاگرام زیر را در جهت استقرار و حاکمیت اقتصاد اسلامی بر شهر به منظور دستیابی به علم اقتصاد اسلامی شهر پیشنهاد داد.



شکل شماره 1- دیاگرام فرآیند دستیابی به علم اقتصاد اسلامی شهر

مطابق دیاگرام پیشنهاد شده، در ابتدا فقه اقتصادی در راستای نیازها و کارکردهای امروزی مورد نیاز البته با حفظ اصول اساسی سازماندهی شده و سپس در قالب نظام اقتصادی شهر پیاده سازی شده، سپس در انتها بر اساس تحقیق و آزمایش بر روی نمونه های عینی حاصل از بازخورد نظام اقتصادی اسلامی در شهر، نظام اقتصاد اسلامی شهر شکل می گیرد.

علم اقتصاد از آن رو در انتهای فرآیند گنجانده شده است که پیشوند علم را با خود حمل می نماید. و دستیابی به علم مقتضیاتی دارد، در علم سه جزء وجود دارد: توصیف، کشف نظم و صورت بندی نظریه ها و قوانین. دانشمندان ابتدا اشیاء یا رویدادهایی را که در جهان اتفاق می افتد، مشاهده و بررسی می کنند، سپس سعی می کنند نظم و ترتیب و همچنین بی نظمی هایی را که گاهی اوقات در پدیده مورد بررسی وجود دارد کشف کند و در نهایت او سعی می کند نظام کشف شده را صورت بندی کند و آن را تعمیم دهد و سرانجام

به قانون و نظریه تبدیل سازد (دلاور، 32، 1392). در اینجا نیز تنها وقتی می توان به علم اقتصاد اسلامی شهر دست یافت که نمونه ها و رویدادهایی در نهایت در قالب نظام اقتصادی شهر اتفاق افتاده باشند. گرچه این فرآیند به هیچ عنوان ساده نبوده و در یک بازه زمانی کوتاه مدت قابل دستیابی نخواهد بود؛ که این قسمتی ناشی از ماهیت پیچیده و سیستمی شهر می باشد.

توضیح آنکه، شهر را می توان یک واحد جغرافیایی و سیاسی، یک واحد فعالیتی، فیزیکی . جمعیتی دانست. به عبارت کلی تر، شهر عبارت از الحاق یک مکان فیزیکی با مردم ساکن آن است. ولی می توان این تعریف را کامل تر نمود و گفت: شهر مجموعه ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط های ساخته شده توسط انسان است که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است. جمعیت در این مجموعه به صورت منظمی درآمده و آداب و رسوم را برای خود ابداع کرده است (شيعه، ۱۳۷۶، ۴). به عبارت بهتر، شهر پدیده ای سرزمینی، تکوین یافته در تاریخ، جلوه فرهنگ و بازتاب فضایی ایفای نقش های اساسی انسان در محیط است. از این رو موجودیتی در هم تنیده، وحدت یافته و ارگانیک است و ابعاد گوناگونی دارد. ساخت شهر مستلزم شناخت تمامی ابعاد و اجزاء آن و نیاز بهره گیری از دانش های گوناگون است (هیراسکار، ۱۳۷۶، ۱). بنابراین جای شک نمی ماند که نگرشی سیستمی و بهره گیری از تئوری سیستم ها در برنامه ریزی و مدیریت شهذی می تواند راهگشا در جهت دستیابی به اقتصاد اسلامی شهر و در پیش از آن استقرار نظام اقتصادی اسلام در شهر باشد.

اگرچه تئوری سیستم های عمومی به صورت رسمی، به عنوان نظام علمی شناخته نشده، اما نزدیکترین رهیافت را برای دید سیستمی کلی لازم به منظور برنامه ریزی، فراهم کرده و می کوشد که دیدی فراگیر، از همه جنبه های سیستم های زنده و غیر زنده به وجود آورد (سیف الدینی، ۱۳۸۱، ۵۰). در این دیدگاه شهر یک سیستم پویا و باز و در عین حال ناقص است زیرا صرفا یک پدیده مجرد نیست، بلکه با فضای اطراف خود و تعاملات درونی شده تشکیل یک سیستم کامل تر را می دهد (لطیفی، ۱۳۹۱، ۳۳). در چنین دیدگاهی برنامه ریزی شهری قبل از اینکه وارد مرحله طرح ریزی شهری شود، فرآیندهای ذهنی و عملی یکسری تصمیم های سنجیده در امور شهری است که با رعایت قیودات خاص خود شیوه و شکل رابطه انسان را با محیط شهری در قالبی بهینه طراحی و طبقه بندی می کند (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۴، ۸)؛ و مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است و هدف از آن تقویت سازمان های دولتی و غیر دولتی برای شناسایی برنامه ها و سیاست های گوناگون و پیاده

سازی آنها با نتایج بهینه است(شایبرچیما،۱۳۷۹،۱۱) و در این راستا،موضوع شناسی مشکلات شهری شامل طیف وسیعی به شرح زیر خواهد بود:

- | | |
|---------------|---------------|
| ✓ جمعیت شناسی | ✓ حقوقی |
| ✓ جامعه شناسی | ✓ تاریخی |
| ✓ سیاسی | ✓ ژئومرفولوژی |
| ✓ فناوری | ✓ زمین شناسی |
| ✓ زیرساختی | ✓ زیست محیطی |
| ✓ شهرسازی | ✓ کالبدی |
| ✓ معماری | ✓ جغرافیایی |
| ✓ مدیریتی | ✓ اقتصادی |
| | ✓ فرهنگی |

بنابراین شهر از مجموعه ای نظام های مختلف از جمله نظام اقتصادی شکل یافته است؛ که هرگاه این نظام ها در هماهنگی با یکدیگر انسجام یافته و کارکرد مناسبی در راستای دستیابی به هدف یا اهداف سیستم داشته باشند،شهر دارای کمترین مشکل می باشد.لذا زمانی می توان از شهر اسلامی سخن گفت که:

1- هدف یا اهداف اسلامی سیستم شهر مشخص باشد.

2- نظام های اسلامی مختلف شهر از جمله نظام اقتصادی،تعریف،تشکیل و در کنار یکدیگر انسجام یافته باشند.

اما این نظامها و از جمله نظام اقتصادی اسلامی در هیچ یک از شهرهای کشور-بنا به اظهارات مسئولین،برنامه ریزان،محققین و مردم- تحقق نیافته،بلکه با اقدامات جزیره ای،در بعضی حوزه ها سعی گردیده،از اصول فقهی اقتصادی در مدیریت شهر استفاده گردد؛با چنین روندی آیا علم اقتصاد اسلامی شهر تحقق خواهد یافت؟واقعیت آن است که حتی سیستم برنامه ریزی و مدیریت کشور به مرحله تبیین ضرورت مذهب اقتصاد اسلامی شهر گام ننهاده اند.

در هر حال، از جهت استقرار نظام اقتصاد اسلامی در شهرهای کشور، پیشتر پاسخ گویی به دو سوال اساسی لازم می باشد: منظور از نظام اقتصاد اسلامی چیست؟ و چگونه قابل شناسایی است؟

«ژوزف لائوژی» نظام اقتصادی را چنین تعریف می کند: «مجموعه ای هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آنها، برخی وسائل فنی سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه های برتر، به منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است.» و «کوزنتس» نظام اقتصادی را چنین ترسیم می کند: «مجموعه قواعد موثر بر واحدهای متعدد موجود در جامعه در جهت همکاری در امر تولید، توزیع و مصرف کل» (یوسفی، ۱۳۸۱، ۲۸۸).

بر این اساس، نظام اقتصادی اسلام، مجموعه ای نظام مند از رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب در جهت هدفهای مورد نظر اسلام است. این مجموعه نظام مند که از منابع اسلام استنباط می شود بیانگر چگونگی پیوند شرکت کنندگان در این نظام - مردم و دولت - به یکدیگر و به اموال و منابع اقتصادی در جهت هدفهای مورد نظر اسلام هستند و مبتنی بر مبانی هستی شناسانه و در چارچوب مذهب، فقه و اخلاق اقتصادی اسلام قرار دارند (میرمعزی، ۱۳۹۴، ۱۷).

در نظام اقتصادی اسلام در شهر، بنا به پیشنهاد این پژوهش، تخصیصی شدن اجزای سیستم در هشت بعد اصلی منابع، تولید، شرکت کنندگان، تخصیص، فرآیندها، نهادها، کنترل و تامین نیروی انسانی به شرح زیر صورت می پذیرد:

■ منابع

خدای سبحان خالق انسان است او را جانشین خویش قرار داد و خلیفه خدا باید کار مستخلف عنه او را انجام دهد. برای اینکه بستر مناسبی برای زندگی بشر فراهم شود، خدای سبحان مواد خام را به عنوان غذای سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت داد تا به عنوان مهمان سر سفره مواد طبیعت بنشیند و از این مواد به بهترین وجه بهره مند شود. عقل را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داد تا وی هم به وجود این مواد خام آگاه شود و هم به چگونه استفاده کردن از آن رهنمون گردد، تا زمین را آباد و محیط زیست را سامان بخشد، از این جهت از انسان خواست با بهره گیری از این مواد خام به آبادانی

زمین پردازد، تا زندگی مناسبی برای بشر فراهم شود (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ۲۸). پس خداوند متعال، مالک همه چیز و از جمله وجود انسان و تمام اموال و شئون متعلق به وی است. این مالکیت تکوینی است (میر معزی، ۱۳۹۴).

همچنین در این بعد از ابعاد نظام اقتصاد اسلامی در شهر، قاعده تامین مالی نیز قابل طرح است. این قاعده عبارت است از ارتباط دائم تامین منابع مالی با بازار کالاها و خدمات، از جهت مبادله و تولید، بدین معنا که تامین مالی فقط برای کمک به تولید کالاها و خدمات یا تبادل آنها در جامعه باشد. این امر از طریق انواع مشارکت ها از قبیل شرکت، مضاربه، انواع بیع ها مانند بیع نسبه، بیع تسقیط، بیع سلم و بیع استصناع و انواع اجاره مانند اجاره کار و اجاره منتهی به تملیک و از جمله اجاره و اقتناع میسر است.

ویژگی قاعده تامین مالی اسلام، پرهیز یا منع هر نوع تامین مالی است که با تولید یا معامله کالاها و خدمات ارتباطی نداشته باشد؛ از این رو بازگرداندن دیون همراه با هر نوع زیاده، تنزیل دیون همراه با کم کردن مقادیر آنها به سبب کوتاه کردن مدت آنها و نیز تامین مالی عمومی به قصد تقویت بودجه بدون اینکه تولید یا معامله کالاها یا خدمات انجام شود را منع می کند. همچنین تامین مالی اسلامی از هر تامینی که بدون هدف و فقط بر اساس قدرت بر وفا به دین باشد، جلوگیری می کند (قحف، ۱۳۸۴، ۱۷۴).

▪ تولید و تخصیص

در کنار تولید، تخصیص در بردارنده فعالیت هایی است که در رابطه با توزیع کالاها و خدمات، بین افراد عضو نظام است و شامل کارکردهایی همچون حمل و نقل، ارتباطات، خرید و فروش و عمده فروشی است. در نظام اقتصادی اسلام در شهر، رشد تولید هدف اصلی و غایی نیست؛ بلکه هدف واسطه ای و طریقی است و تولید به توزیع و تخصیص و ظرف تحقق قواعد آن مقید است و امنیت اقتصادی در بعدهای داخلی و خارجی آن به عنوان هدفی مستقل در کنار عدالت اقتصادی مطرح است. همچنین، این مطلب صحیح است که رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی هدفی در عرض عدالت اقتصادی نیست؛ اما به عنوان هدفی واسطه ای و در طول آن مورد قبول اسلام است. از این رو لازم است که قواعد مرتبط با عدالت از نظر تحلیلی با رشد نیز سازگار باشند؛ گرچه در مقام تحقق خارجی اگر تراحم رخ دهد، عدالت مقدم است (میر معزی، ۱۳۹۴، ۹).

▪ شرکت کنندگان و تامین نیروی انسانی

شرکت کنندگان نظام اقتصادی اسلامی در شهر را می توان به سه دسته بنگاهها، خانوارها و دولت تقسیم نمود. و تامین نیروی انسانی، با کمیت و کیفیت افراد عضو نظام اقتصادی شهر، سروکار دارد. این وجه، تعداد افراد گوناگون مورد نیاز سیستم، اجتماعی کردن و آموزش افراد عضو نظام اقتصادی شهر و مهارتهایی که آنها می توانند در راستای کار سیستم ارائه دهند را دربر می گیرد.

در اسلام، هدف از آفرینش انسان تکامل و دستیابی وی به مقام رفیع عبودیت خداوند متعال است. عقل نمی تواند بعدهای مجرد و اخروی راه سعادت را دریابد و به وحی نیاز است. همه مردم از اصل واحد سرچشمه گرفته، با هم برابرند. هیچ طبقه ای از مردم، بالاتر از طبقه دیگر نیست و هیچ شخصی از جهت حقوقش درباره اشیاء یا در مقایسه با دیگران برتر نیست. همه مردم آزاد و مساوی اند و کسی که در انسانیت یا در حقوق و الزاماتش از دیگران برتر باشد، وجود ندارد.

همچنین، توازن به شکلی روشن و صریح در جوانب گوناگون رفتار شهروند مسلمان در نظام اقتصادی اسلامی در شهر آشکار است، مانند میانه روی و پرهیز از اسراف و بخل شدید. اندیشه اعتدال مستلزم آن است که مصرف فی نفسه هدف نباشد.

در نظام اقتصادی اسلام در شهر، نادیده انگاشتن بعد معنوی و روحی، «انسان اقتصادی مطرود» را شکل می دهد. برخی از ویژگیهای چنین انسانی این گونه است:

1- پیوسته سود مالی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می دهد.

2- نمی تواند یا نمی خواهد منافع واقعی و درازمدت خویش را در نظر گیرد.

3- سخت شیفته مال و ثروت است.

4- کم ظرفیت و کم طاقت است.

5- در صورت توانگری، سرکشی می کند.

6- بر خود می بالد و بر دیگران فخر می فروشد.

از دیدگاه اسلام، در نظام اقتصاد اسلامی در شهر، برخی از ویژگی های «انسان اقتصادی مطلوب» که در مقابل انسان اقتصادی مطرود قرار دارد، چنین است (صالح نیا و لطیفی، 1392):

1- با منافع دیگران هماهنگ بوده و حتی در موارد لازم، آن را بر منفعت شخصی خودش مقدم می‌دارد.

2- دلداده و وابسته به ثروتش نیست، بلکه آن را در مسیر رضایت الهی و خدمت به نیازمندان به کار می‌گیرد.

3- متین و خویشتن‌دار است. در برابر نایسامانی‌های اقتصادی و مشکلات زندگی، شکیبایی می‌ورزد و هنگام رفاه و آسایش طغیان نمی‌کند.

4- آینده‌نگر و دارای بینشی عمیق است؛ از این رو، دارایی خویش را وسیله‌ای برای نیل به منافع دراز مدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد (اخروی).

در نظام اقتصادی اسلام در شهر، مردم در فعالیتهای اقتصادی‌شان آزادند انواع حرفه‌ها، صنایع و کارهایی را که می‌خواهند برگزینند و خودشان مسئول نتایج تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی‌شان هستند. عوامل تولیدی را که مالکند یا کالاهایی را که می‌خواهد مبادله کنند، در بازار، خرید و فروش می‌کنند. کسی که فقط مالک عمل خود است، برای فروش خدمات خود به بازار می‌رود و با آنچه به دست می‌آورد، کالاها و خدماتی را که نیاز دارد می‌خرد و کسی که دارایی‌ها و کالاهای تولیدی یا مصرفی یا ابزار تولید را مالک است، با آنچه مالک است، وارد بازار می‌شود و هیچ صاحب‌حقی از حق خود محروم نمی‌شود و واجب نیست ثروتمند با فقیر در مال برابر باشند. در عین حال، به ثروتمند اجازه داده نمی‌شود حتی از طریق ضوابط معلوم، قدرت انحصاری اعمال کند. این آزادی در تولید، توسعه و خیر و احسان است؛ ولی در فساد یا اتلاف یا سوء استفاده از نیروی مادی و سیاسی برای ایجاد منافع از حقوق دیگران آزادی نیست (قحف، 1384).

▪ نهادها و فرآیندها

فرآیندها؛ عملکرد نظام اقتصادی را توضیح می‌دهند. عناصر فرآیند ترتیبی منطقی را تشکیل می‌دهند که در آن اطلاعات زمینه‌ساز تصمیمات می‌باشند و اجرای تصمیمات نتایج را می‌آفرینند. نتایج می‌تواند رشد تولید، کیفیت توزیع درآمد، تغییر قیمت‌ها و غیره باشد. بدین ترتیب در یک نظام اقتصادی می‌توان از فرآیندهای تولید، توزیع و امثال آن نام برد.

همچنین، به نقل از فرجی راد و کاظمیان (1391)، نهادها قوانین بازی در جامعه اند، یا به عبارتی سنجیده تر قیودی هستند که روابط متقابل انسان ها را با یکدیگر شکل می دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. نهادها چارچوب هایی هستند که کنش متقابل انسان ها در درون آنها تحقق می پذیرند. نهادها با در اختیار گذاشتن ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش می دهند؛ در واقع نقش عمده نهادها این است که از طریق بنیان نهادن ساختارهایی با ثبات، عدم اطمینان را کاهش می دهند.

در نظام اقتصادی اسلام در شهرها، حدود چارچوب قانونی نهادها و حتی در مواردی فرآیندها را برنامه شریعت (قرآن و سنت) در اصول و احکامش بیان می کند و نیز حدود انگیزه رفتاری و الگوی شکل روانی آن را برنامه اخلاقی اسلام بیان می دارد. نظام اقتصادی اسلام سرشار از ارزش هاست؛ یعنی نظامی هدفدار شمرده می شود که مجموعه معینی از ارزش ها را برگزیده است و در برابر اخلاق بی طرف نیست. اسلام توسعه ارزش های اخلاقی که در آیات و روایات مورد تاکید قرار گرفته را هدف قرار داده است. این که نظام اقتصادی اسلام، تحت تاثیر میزان عمل مردم به اخلاق و تعصب دینی آنان است، در عملکرد خود، بر افعال اختیاری تکیه نمی کند؛ برای نمونه، با وجود این حقیقت که نظام اقتصادی اسلام، گاه سطح بالایی از انفاقات اختیاری، یعنی صدقه را دارد چیزی که به صورت پرداخت های انتقالی اختیاری شناخته می شود؛ ولی ساختار و عملکرد آن بر صدقات متوقف نیست؛ بلکه بر اصول اساسی و قواعدی مبتنی است که در تنظیم فعالیتهای اقتصادی به روشنی پدیدار می شود. به همین دلیل، رفتاری که نظام اقتصادی اسلام در شهر به آن دعوت می کند، رفتار دینی محض نیست، بلکه رفتاری دنیایی و مادی است که نهادهای قانونی و اجتماعی آن را سامان می دهند و قواعد و روش نظام، به آن رفتار منتهی می شوند.

نهادهای نظام اقتصادی اسلام به ویژه در شهرها پویاست. یعنی در آن، قانون ثابتی که همه جزئیات را شامل شود، وجود ندارد؛ بلکه فقط خطوط کلی و اصول اساسی را تعیین کرده، جزئیات دیگر را به جامعه وامی گذارد تا مطابق وضعیت متغیر، آنها را به مرور زمان تعیین کند. اسلام، بسیاری از معاملات و روابط اقتصادی بین افراد را به عقل انسان واگذاشته تا در آنها تامل، و آنها را بر اساس اصول منتشره در آیات و روایات تعیین کند.

■ کنترل

کنترل، فعالیتهایی هستند که در راستای حفظ کارکرد مناسب و نرم نظام اقتصادی اسلام در شهرها، جهت داده شده اند و اغلب فعالیت های دولتی را در بر می گیرند؛ مانند دادگاهها، پلیس، واحدهای قانونگذاری و غیره. به قول قحف، در نظام اقتصادی اسلام از جمله در شهرها، ایمان به روز حساب، تاثیر مهم و مستقیمی بر رفتار اقتصادی شهروندان دارد؛ زیرا افق زمانی را برای هر عمل یا تصمیم اقتصادی یا هر گزینشی در رفتار، گسترش می دهد. مسلمان وقتی می خواهد کاری را انجام دهد، تاثیر آن را در آخرت در نظر می گیرد. نظام اقتصادی اسلام، تعریف «فساد و اتلاف و سوءاستفاده از قدرت در جهت مصالح فردی» را به افراد و انگذاشته؛ بلکه خود شریعت آن را تعریف کرده است، حرام ها و حلال ها را بیان کرده و قواعد حفاظت و حمایت از آزادی ها و امتیازات مردم را نه تنها در برابر دیگران و بین خود مردم، بلکه در برابر حکومت و قدرت سیاسی نیز تعیین کرده است.

در انتها توجه به دو نکته در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام در شهرهای کشور ضروری است:

✓ به قول میرمعزی، در کشف نظام اقتصادی اسلام به عنوان نظام اقتصادی مطلوب از منابع اسلامی، نمی توان به روش اجتهاد جزءگرایانه مرسوم بسنده کرد؛ بلکه افزون بر آن لازم است از اجتهاد سیستمی و روشهای مطالعه نظام اقتصادی در اقتصاد کلان بهره برد و با گسترش قلمروی اجتهاد از احکام فرعی فقهی به هدفها، مبانی، روابط و ترکیب آگاهانه آن با روشهای مطالعه نظام اقتصادی در اقتصاد کلان، نظام اقتصادی اسلام در شهرها را به عنوان کل منسجم درک کرد. زیرا علاوه بر ماهیت پیچیده علم اقتصاد و نیز ابعاد بسیار وسیع آموزه های دین اسلام و ماهیت اصولا سیستمی آنها، گفته شد که، شهر پدیده ای سرزمینی، تکوین یافته در تاریخ، جلوه فرهنگ و بازتاب فضایی ایفای نقش های اساسی انسان در محیط است. از این رو موجودیتی در هم تنیده، وحدت یافته و ارگانیک است و ابعاد گوناگونی دارد.

✓ یک موضوع مهم بنا به گفته پورفرج و همکاران برای مطالعه نظام اقتصاد اسلامی از جمله در شهرها این است که آیا از مدل های غنی موجود در اقتصاد نئوکلاسیک استفاده کند و یا مدل های جدید از رفتار اقتصادی بسازد که مجموعه ای از ارزش های اسلامی را دربر می گیرد. به بیان دیگر سوال محوری این است که آیا محقق اقتصاد اسلامی باید بررسی کند که انسان اقتصادی که با قوانین و

مقررات اسلامی اداره می شود چگونه رفتار می کند، یا اینکه وظیفه وی تغییر اصول موضوعه انسان اقتصادی مفهومی جدید برای انسان اقتصادی اسلامی است؟ علاوه بر این خود برنامه ریزی شهری و منطقه ای دارای مدل های اقتصادی چون مدل ترسیم طولی-عرضی ایزارد، روش ضریب مکانی، ضریب عدم تشابه، ضریب تفکیک، ضریب همبستگی مکانی، ضریب تخصص و تنوع، شاخص های تمرکز و پیوستگی، ضریب تغییرات ساختاری، روش تعیین نقش اقتصادی شهر، روش تعیین قوه جاذبه صنایع، مدل بخشی، مدل پیش بینی اشتغال به روش اقتصاد پایه، مدل تغییر سهم، مدل داده-ستانده، مدل فزاینده اشتغال و جمعیت، روش برآورد نرخ مشارکت، روش برنامه ریزی خطی و غیره که همگی در مکاتب غربی انسجام یافته اند. حال سوال این خواهد بود که موضع نظام اقتصادی اسلام در شهرها در مقابل این مدلها نیز چه خواهد بود؟ سوالی که می تواند گزینه مناسبی برای تحقیقات آتی باشد.

نتیجه گیری

شهر، نظامی درهم تنیده، وحدت یافته و ارگانیک است که ابعاد گوناگون داشته و این نظام خود از تلفیق نظام های گوناگونی از جمله نظام اقتصادی تشکیل یافته است. در چنین شرایطی، وظیفه مدیریت و برنامه ریزی شهری تامین رفاه شهرنشینان، از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم تر، آسان تر، موثرتر و دلپذیر می باشد؛ که این امور، بدون توجه به نظام اقتصادی مبتنی بر جهان بینی و ایدئولوژی حاکم در کشور، یعنی همانا، دین مبین اسلام امکانپذیر نبوده و در فرآیندی به ترتیب شامل استخراج فقه اقتصادی، انسجام در قالب مذهب اقتصاد اسلامی، استقرار نظام اقتصاد اسلامی در شهر، آزمایش و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از استقرار نظام اقتصاد اسلامی در شهر و در نهایت کسب علم اقتصاد اسلامی شهر امکانپذیر می باشد.

نظام اقتصاد اسلامی در شهرها دارای هشت بعد منابع، تولید، شرکت کنندگان، تخصیص، فرآیندها، نهادها، کنترل و تامین نیروی انسانی می باشد که می باید در هر یک مبتنی بر فقه اقتصادی اسلام و منابع آن یعنی کتاب و سنت و عقل مبتنی بر کارکردهای امروزی البته در تطابق با اصول اساسی اسلام شواهد استخراج و در کنار یکدیگر انسجام یابند.

منابع

- 1- استعلاجی، علیرضا و نعمت حسین زاده (1392)، چالش های پدیده جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه با تاکید بر ایران، فصل نامه علمی- پژوهشی جغرافیای سرزمین، سال دهم، شماره 38، تابستان 1394، صص 31-52
- 2- امین پور، احمد و همکاران (1394)، بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت شهری، شماره 40، پاییز 1394، صص 47-60
- 3- انس زرقا، محمد (1382)، روش شناسی اقتصاد اسلامی، ترجمه ناصر جهانیان و علی اصغر هادوی نیا، فصل نامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره 9
- 4- انس زرقا، محمد (1383)، اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش، ترجمه منصور زراءنژاد، فصل نامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره 14
- 5- انس زرقا، محمد (1384)، روش شناسی اقتصاد اسلامی، ترجمه سید محمد موسی مطلبی، دروس اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه مفید
- 6- آقائی، محمدرضا (1392)، غرب زدائی از توسعه، رویکرد قرآنی پیشرفت اجتماعی؛ جستاری در نقد و بررسی رویکردهای غربی به توسعه و محورهای ارائه الگوی جایگزین قرآن در پیشرفت اجتماعی، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت
- 7- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجرودی (1391)، نظریه های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت
- 8- پورفرج، علیرضا و همکاران (1394)، دینداری و رفتار اقتصادی، روش شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان اقتصادی اسلام، فصل نامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره 2، پیاپی 14، بهار و تابستان 1394، صص 33-68
- 9- جمالی نژاد، مهدی و سید محمدرضا طلاکش (1392)، تدوین اصول و مبانی اسلامی برنامه ریزی شهری و منطقه ای بر اساس مبانی مکتب فلسفی اصفهان با رویکرد پیشرفت. کاربردگرایی با توجه به شرایط موجود، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت
- 10- جوادی آملی، عبدالله (1392)، اسلام و محیط زیست، قم، نشر اسراء
- 11- حاتمی نژاد، حسین و سید هادی حسینی (1392)، تحلیل و پیش بینی اشتغال در شهر سبزوار رهیافت تغییر سهم، اقتصاد پایه و نسبت مکانی، فصل نامه علمی- پژوهشی جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره 36، بهار 1392، صص 99-102
- 12- دری نجف آبادی، قربانعلی و همکاران (1392)، الزامات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پرتو قواعد فقهی اقتصادی، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت
- 13- دلاور، علی (1392)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد

- 14- روستایی، شهرپور (1391)، توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه، فصل نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره 45، تابستان 1391، صص 71-91
- 15- رهبر، فرهاد و همکاران (1393)، رهیافتی بر هستی شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم های اقتصادی-اجتماعی، فصل نامه علمی-پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره 78، بهار 1393، صص 135-161
- 16- رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه حسینی (1384)، فرآیند برنامه ریزی شهری ایران، تهران، انتشارات سمت
- 17- ستاری ساربانقلی، حسن (1390)، سطح بندی شهر در کلام پیامبر اسلام (ص)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 3، بهار 1390، صص 47-55
- 18- سجادیان، ناهید و همکاران (1393)، بررسی مسائل اقتصادی در روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و تاثیر آن بر پیشرفت زندگی انسانی، فصل نامه چشم انداز زاگرس، دوره 6، شماره 21، پاییز 1393، صص 41-56
- 19- سجادیان، ناهید و همکاران (1394)، مدخلی بر ابعاد اجتماعی در شهرهای اسلامی از دیدگاه قرآن کریم، فصل نامه چشم انداز زاگرس، دوره 7، شماره 24، تابستان 1394، صص 69-97
- 20- سید میرزایی، سید محمد (1383)، نگاهی به آینده شهر، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 41 و 42، صص 85-104
- 21- سیف الدینی، فرانک (1371)، مبانی برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات آبیژ
- 22- شایبر چیمبا، جی (1379)، مدیریت شهر؛ خط مشی ها و نوآوری ها در کشورهای در حال توسعه، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- 23- شکوئی، حسی (1373)، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، تهران، انتشارات سمت
- 24- شوقی نیا، احمد (1382)، نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی، ترجمه خداد جلالی و مجید مرادی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره 12
- 25- شیعه، اسماعیل (1376)، مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- 26- شیعه، اسماعیل (1382)، کارگاه برنامه ریزی شهری (رشته جغرافیا)، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- 27- صالح نیا، نفیسه و محمدرضا لطیفی (1392)، فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن در اسلام و رابطه آن با رشد اقتصادی، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت
- 28- صدر، سید محمدباقر (1408ق)، اقتصادنا (جلد دوم)، قم، انتشارات المجمع العلمي للشهید صدر
- 29- صدری، سید محمد (1390)، پدیداری و پایداری فقه هزار و چهارصدساله (رشته فقه و مبانی حقوق)، انتشارات دانشگاه پیام نور
- 30- عابدین درکوش، سعید (1364)، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- 31- عسگری، علی (1380)، نقش شهرها در بهره وری و رشد اقتصاد ملی، فصل نامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره 7، صص 10-

- 32- فدیر، لوئیس (1373)، خودآموز اقتصاد، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران، انتشارات شبابویز
- 33- فرجی راد، خدر و غلامرضا کاظمیان (1391)، توسعه محلی و منطقه ای از منظر رویکرد نهادی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- 34- فرجی، یوسف (1384)، تئوری اقتصاد خرد، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- 35- فرید، یدالله (1368)، جغرافیا و شهرشناسی، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز
- 36- قحف، منذر (1384)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره 18، تابستان 1384، صص 157-178
- 37- قحف، منذر (1384)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، تابستان 1384، صص 157-178
- 38- قحف، منذر (1385)، علم اقتصاد اسلامی: تعریف و روش، ترجمه سید حسین میرمعزی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره 23
- 39- قحف، منذر (1385)، مروری بر الگوهای اقتصاد اسلامی، ترجمه سید حسین میرمعزی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره 21
- 40- قدردان قراملکی، محمدحسن (1392)، مبانی کلامی پیشرفت، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت
- 41- لطیفی، غلامرضا (1391)، مدیریت شهری، تهران، نشر علمی
- 42- مجتهد شبستری، محمد (1381)، نقدی بر قرائت رسمی از دین (بحرانها، چالش ها، راه حل ها)، تهران، انتشارات طرح نو
- 43- محمدزاده، یوسف و علی صابری (1392)، اقتصاد مقاومتی، الگوی ایرانی اسلامی توسعه اقتصادی، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان
- 44- محمدی، جمال و رعنا شیخ بیگلو (1391)، کارآیی شهر اسلامی در مواجهه با چالش های شهری امروز، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی
- 45- موسی مطلبی، سیدمحمد (1391)، علم اقتصاد اسلامی: برآیند تحول بنیان ها و فرآیندهای علم اقتصاد، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره 45، بهار 1391، صص 33-54
- 46- میر معزی، سید حسین (1379)، روش کشف نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره 11.12
- 47- میر معزی، سیدحسن (1394)، فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی، فصل نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره 59، پاییز 1394، صص 5-32

- 48- میرزایی، جهان بین (1394)، تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان شهر تهران از منظر اقتصاد شهری، فصل نامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره 11، تابستان 1394، صص 59-77
- 49- میرمعزی، سید حسین (1388)، فلسفه علم اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- 50- میرمعزی، سید حسین (1394)، تعریف و روش کشف مذهب اقتصادی اسلام، فصل نامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره 57، بهار 1394، صص 5-29
- 51- میرمعزی، سید حسین (1389)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی، نخستین نشست اندیشه های راهبردی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت
- 52- میرمعزی، سید حسین (1389)، روش کشف نظام اقتصادی اسلام، فصل نامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره 39، پاییز 1389، صص 5-34
- 53- میلز، ادوین و بروس همیلتون (1375)، اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- 54- نظریان، اصغر (1377)، جغرافیای شهری ایران، تهران، انتشارات پیام نور
- 55- وبر، ماکس (1392)، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- 56- وثیق، بهزاد و آزاده پشوتنی زاده (1389)، مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی مسکن و محیط روستا، دوره 29، شماره 129، بهار 1389، صص 50-65
- 57- هاشمی، سید مناف (1388)، یادداشت مدیر مسئول، فصل نامه علمی - پژوهشی اقتصاد شهر، سال اول، شماره اول، صص 2
- 58- هیراسکار، جی. کی (1376)، درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضا یکانی فرد، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم
- 59- یوسفی، احمد علی (1381)، روشهای استنباط نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه فقه، شماره های 33 و 34، پاییز و زمستان 1381، صص 287-327

60-Chapra, M.U(2000), the future of economic, the Islamic foundation

61-Yuki, K(2007), Urbanization informal sector and development, Journal of Deveipment Economics, 84, pp. 76-103